

ماهیت حقوقی صلاحیت دولت ساحلی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب در منطقه مجاور


محمد رضوی راد

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد

اسلامی، قائمشهر، ایران


 orcid.org/0000-0002-4235-3774

دانشیار گروه حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران


 ژانت الیزابت بلیک

چکیده

ماده ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها حاوی فرضی حقوقی به نفع دولت ساحلی در خصوص برداشتن میراث فرهنگی زیر آب از بستر منطقه مجاور است. ارتباط این مقرر با ماده ۳۳ کنوانسیون مزبور از یک سو و ماده ۸ کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب از سوی دیگر ابهامها و در نتیجه تفسیرهای متفاوتی را در خصوص ماهیت حقوقی صلاحیت دولت ساحلی در این منطقه دریایی موجب شده است. همین امر نویسندگان این مقاله را بر آن داشته که از رهگذر روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش کلیدی پاسخ دهند که ماهیت حقوقی صلاحیت دولت ساحلی در منطقه مجاور چیست؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شیوه عبارت‌پردازی مقررات مربوطه در دو کنوانسیون ذکر شده حاکی از صلاحیت محدود دولت ساحلی در این خصوص بوده که صرفاً شامل نظارت بر نقل و انتقال اشیاء تاریخی و باستانی در منطقه مجاور است، بدون اینکه دربرگیرنده صلاحیت قانون‌گذاری آن دولت در خصوص اشیای باستانی یافت شده و یا فعالیت‌های باستان‌شناسی باشد.

واژگان کلیدی: دولت ساحلی، صلاحیت، فعالیت‌های باستان‌شناسی، منطقه مجاور، میراث فرهنگی زیر آب.

مقدمه

«منطقه مجاور»^۱ منطقه دریایی مجاور دریای سرزمینی است که دولت ساحلی در آن دارای صلاحیت‌های خاصی است. «توسعه منطقه مجاور حاصل فرایندی پیچیده از جمع ادعاهای مختلف دولت‌های ساحلی بود. اگرچه مفهوم منطقه مجاور به «قانون گشت‌زنی» بر می‌گردد که توسط بریتانیای کبیر در قرن هجدهم وضع شد، با وجود این تا ۱۹۵۸ قواعد راجع به منطقه مجاور مورد توافق قرار نگرفتند»^۲. در نمای کلی فضای اقیانوس، این منطقه دریایی نمودار حوزه نسبتاً کوچک جغرافیایی است، اما در زمینه میراث فرهنگی زیر آب از اهمیتی بنیادین برخوردار است. «کنوانسیون ۱۹۵۸ درباره دریای سرزمینی و منطقه مجاور» به موضوع حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب پرداخت، اما کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دو ماده ۱۴۹ و ۳۰۳ (در چهار بند) را به موضوع حفاظت از اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» به ترتیب در «منطقه» و «منطقه مجاور» اختصاص داده است.

یکی از مقررات بحث‌انگیز کنوانسیون یاد شده نیز بند ۲ ماده ۳۰۳ است که در رابطه با مسئله کنترل قاچاق «اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی» در منطقه مجاور توسط دولت ساحلی است. رابطه این مقرره با دیگر مقرره کنوانسیون ۱۹۸۲ در زمینه منطقه مجاور یعنی ماده ۳۳ قابل توجه است. از سوی دیگر در «کنوانسیون یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب» که با هدف جبران خلاءها و کاستی‌های کنوانسیون ۱۹۸۲ در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید،^۳ مسئله حفاظت از میراث یاد شده در منطقه مجاور در ماده ۸ مورد توجه قرار گرفت و دولت ساحلی بر طبق این مقرره دارای صلاحیت‌هایی در این زمینه شده است. نوشتار پیش‌رو در پی پاسخگویی به این پرسش

۱. برخی حقوق‌دانان ایرانی از این منطقه دریایی با عنوان «منطقه نظارت» نیز یاد می‌کنند، اما ترجمه دقیق عنوان این منطقه دریایی (Contiguous Zone) همان «منطقه مجاور» است و دلیل روشنی برای عدم استفاده از آن وجود ندارد.

۲. یوشیفومی تاناکا، حقوق بین‌الملل دریاها، چاپ اول، ترجمه آرمین طلعت (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵) ص ۲۰۳.

۳. از این پس در این مقاله از این کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو» یاد می‌شود.

کلیدی است که ماهیت حقوقی نقش دولت ساحلی در منطقه مجاور در پرتو مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۱ یونسکو چیست؟

۱. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

مفهوم منطقه مجاور در ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو با کمترین تغییرات به ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ راه یافت و بدین جهت می‌توان گفت که مقرر اخیر نوآوری خاصی در این خصوص نداشته است. تغییرات یاد شده شامل این موارد است: حداکثر حد خارجی منطقه مجاور به جای ۱۲ مایل، ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ دریای سرزمینی تعیین شد و اشاره به «دریای آزاد» در صدر ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ و ضابطه تحدید حدود مندرج در بند سوم آن حذف شدند.

۱-۱. مقرر عام

بند ۱ ماده ۳۳ «کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها» مقرر می‌دارد که دولت ساحلی در منطقه مجاور می‌تواند نظارت لازم را برای هدف‌های زیر اعمال نماید: الف- از نقض قوانین و مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی یا مهاجرتی در داخل قلمرو یا دریای سرزمینی خود جلوگیری نماید و ب- نقض قوانین و مقررات یاد شده که در داخل قلمرو یا در دریای سرزمینی وی ارتکاب یافته را مجازات نماید».

اهداف استقرار این منطقه دریایی در مجاورت دریای سرزمینی به صورت روشن در مقررات مزبور تشریح گردیده است. اختیارات دولت ساحلی در منطقه مجاور محدود است. این اختیارات هم ماهیت پیشگیرانه دارد، بدین معنی که برای جلوگیری از نقض قوانین و مقررات شمرده شده است و هم دارای ماهیت تنبیهی است، بدین معنی که برای مجازات نقض قوانینی است که قبلاً در قلمرو سرزمینی یا دریای سرزمینی دولت ساحلی روی داده است. بنابراین تفسیر موسعی که منتج به شناخت صلاحیت قانونگذاری دولت مربوطه در منطقه مجاور گردد، مردود است. یکی از مواردی که این استدلال را تقویت می‌کند این است که اصلاحیه پیشنهادی لهستان مبنی بر حذف اشاره به «نقض (قوانین و مقررات) در داخل قلمرو یا دریای سرزمینی»، با وجود تصویب در کمیته اول، در اجلاس عمومی کنفرانس ژنو در ۱۹۵۸ رد شد و پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC)

جایگزین آن شد.^۱ پس در این زمینه به طریق اولی نمی‌توان قائل به استقرار یک «منطقه مجاور باستان‌شناسی»^۲ توسط کنوانسیون ۱۹۸۲ بود،^۳ اما در هر صورت این ماده قانونی مبنایی خواهد بود جهت نظارت بر تجارت بین‌المللی آثار باستانی در مواردی که کشتی‌های خارجی تلاش می‌کنند اموال فرهنگی زیر آب را برخلاف قوانین مالی و گمرکی دولت ساحلی از قلمرو یا دریای سرزمینی دولت ساحلی صادر کرده یا به این مناطق وارد نمایند.^۴ در نتیجه، ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ در خصوص اشیایی که خارج از دریای سرزمینی یافت شده‌اند اما همانجا در بستر دریا باقی مانده‌اند، قابل اعمال نیست. همین امر در خصوص اعمال مقررات «کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو در خصوص اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال غیر قانونی مالکیت اموال فرهنگی» نیز صادق خواهد بود. به عبارت دیگر از آنجایی که گستره اجرای مقررات کنوانسیون یاد شده طبق ماده ۴، محدود به «قلمرو ملی»^۵ دولت‌های عضو است،^۶

1. A/CONF.13/C.1/L.78, UNCLOS 1, Off. Rec. Vol. 3, p. 232.

2. Archaeological Contiguous Zone.

۳. با این حال روهه دولت‌ها همیشه در تطابق با تفسیر مضیق از رژیم حقوقی مندرج در ماده ۳۳ نبوده است. در حقیقت در سال‌های گذشته یعنی قبل از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای بسیاری از ادعاهای یکجانبه دولت‌ها در خصوص منطقه مجاور (به صراحت) میان صلاحیت اجرایی و قانونگذاری تمایز قائل نمی‌شدند و ادعای صلاحیت قانونگذاری اساساً غیر معمول نبود.

Daniel-Erasmus Khan, *United Nations Convention on the Law of the Sea: A Commentary*, Alexander Proelss (ed.), (C.H. Beck, 2017) p. 264.

۴. از مصادیق این امر دو مورد را می‌توان به عنوان مثال ذکر نمود:

الف- زمانی که کشتی خارجی که در حال ورود به منطقه مجاور است، تلاش می‌کند آثار باستانی را که در مناطق دیگری خارج از دریای سرزمینی دولت مربوطه یافت شده برخلاف قوانین و مقررات مالی و گمرکی آن دولت، به قلمرو یا دریای سرزمینی دولت ساحلی وارد نماید؛

ب- زمانی که کشتی خارجی که در حال عزیمت از منطقه مجاور است، در حال صدور آثار باستانی یافت شده در قلمرو یا دریای سرزمینی دولت مربوطه به خارج از منطقه مجاور برخلاف قوانین و مقررات مالی و گمرکی دولت ساحلی است.

5. National Territory.

۶. ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو: «دولت‌های عضو این کنوانسیون می‌پذیرند که بر حسب مفاد این کنوانسیون، اموال فرهنگی متعلق به دسته‌های زیر، جزئی از میراث فرهنگی هر کشور را تشکیل می‌دهند: ... ب- اموال فرهنگی که در قلمرو ملی یافته شده‌اند ...».

بنابراین منطقه مجاور در زمره قلمرو ملی این دولت‌ها محسوب نخواهد شد و مقررات کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو در این منطقه قابل اجرا نیست.

۲-۱. مقررہ خاص: صلاحیت دولت ساحلی در خصوص اشیای باستانی و

تاریخی

بعد از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲، منطقه مجاور به عنوان یک منطقه با اهمیت شناخته شد که نه تنها دولت ساحلی می‌تواند صلاحیت‌های اجرایی خود را در زمینه‌های گمرکی، مالی، بهداشتی یا مهاجرتی اعمال نماید، بلکه دارای اختیار مضاعفی شد که پیش از این و در کنوانسیون ۱۹۵۸ وجود نداشت. بند دوم ماده ۳۰۳ به موضوع تجارت غیرقانونی اشیای باستانی پرداخته است و دولت ساحلی را جهت حفاظت از این اشیای، صالح دانسته است. «این تحول بسیار مهم است، چرا که از یک سو تعدادی از دولت‌ها مانند یونان و ایتالیا دارای ثروت‌های باستانی قابل توجهی در بستر دریا هستند که نیاز به حفاظت دارند و از سوی دیگر، وسعت منطقه مجاور در این کنوانسیون به حداکثر ۲۴ مایل افزایش یافته است».^۱ این بند مقرر می‌دارد که «برای کنترل قاچاق این اشیای دولت ساحلی در اجرای ماده ۳۳ کنوانسیون می‌تواند چنین فرض نماید که برداشتن این اشیای از بستر منطقه مذکور در آن ماده، بدون تأیید آن دولت، نقض قوانین و مقررات مورد اشاره در آن ماده در داخل قلمرو یا دریای سرزمینی آن منجر خواهد شد».

تصویب بند دوم ماده ۳۰۳ بر اساس طرح پیشنهادی هیئت یونانی در ۱۹۷۹ صورت گرفت. این طرح پس از آن اصلاح شد و به صورت مشترک از سوی شش دولت کیپ‌ورد، ایتالیا، مالت، پرتغال، تونس و یوگسلاوی نیز مورد حمایت قرار گرفت.^۲ طرح پیشنهادی یاد شده اشعار می‌دارد: «دولت ساحلی به منظور تحقیق، نجات، حفاظت و نمایش مناسب هر شیئی که دارای ماهیت صرف باستانی و تاریخی بوده و در بستر یا زیر بستر فلات قاره‌اش قرار دارد، حقوق حاکمه خود را اعمال خواهد نمود. هر چند که

1. Petros Sioussiouras, "The Contiguous Zone as a Mechanism for Protection the Underwater Cultural Heritage" in Anastasia Strati, *Unresolved Issues and New Challenges to the Law of the Sea Time before and Time after* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006) p. 65.

2. Rene Jean Dupuy, and Daniel Vignes, *A Handbook on the New Law of the Sea* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1991) at 569.

دولت یا کشور مبدأ یا دولت مبدأ فرهنگی یا دولت مبدأ تاریخی و باستانی در رابطه با فروش یا سایر راه‌های واگذاری چنین اشیایی دارای حقوق ترجیحی هستند.^۱ این طرح با مخالفت جدی شماری از دولت‌ها بویژه ایالات متحده، انگلستان و هلند مواجه شد. این دولت‌ها استدلال می‌کردند حقوقی که در طرح پیشنهادی به نفع دولت ساحلی ایجاد شده، تحت هیچ شرایطی ارتباطی با حقوق حاکمه دولت ساحلی بر فلات قاره که مبتنی بر منابع طبیعی بستر دریاست، ندارد. در نهایت متن فعلی به عنوان یک راهکار سازشی مورد توافق قرار گرفت.^۲

این مقرر حاوی یک فرض حقوقی به نفع دولت ساحلی است. این فرض حقوقی مبتنی بر دو پایه است: اول از همه، نقض قوانینی که در منطقه مجاور ارتکاب یافته باشد مانند آن است که در دریای سرزمینی اتفاق افتاده است، دوم؛ اگرچه احتمال کمی وجود دارد که برداشتن میراث فرهنگی زیر آب (حتی اگر در دریای سرزمین صورت گیرد) به نقض قوانین مورد اشاره منجر شود، با این حال اینگونه فرض می‌شود که چنین نقضی اتفاق افتاده است.^۳ مقصود از قوانین و مقررات سرزمینی یا دریای سرزمینی دولت ساحلی نیز قوانین و مقررات مالی و گمرکی است، چرا که از میان مجموعه مقرراتی که در ماده ۳۳ ذکر شده تنها مقررات مالی و گمرکی ممکن است با برداشتن و نظارت بر قاچاق اموال فرهنگی زیر آب مرتبط باشد. علت اتخاذ چنین مقرره مبهمی این است که در کنفرانس سوم ملل متحد در زمینه حقوق دریاها تعدادی از دولت‌ها موافق حقوق محدود دولت ساحلی در خصوص اشیای باستانی بودند اما در مقابل دولت‌های دیگر از ایجاد یک منطقه «باستان‌شناسی تمام‌عیار»^۴ حمایت می‌کردند.^۵ لحن مبهم این مقرر به گونه‌ای زمینه سازش میان نظرات هر دو

1. Myron H., Nordquist, *United Nations Convention on the Law of the Sea 1982: A Commentary*, Vol. V, Center for Oceans Law and Policy, University of Virginia (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1989) at 159.

2. Sioussiouras, *op. cit.* at 69.

۳. «حفاظت در محل» (In Situ Protection) میراث فرهنگی مسئله‌ای است که تا حدود زیادی به قوانین گمرکی، مالی، مهاجرتی و بهداشتی بی‌ارتباط است. تنها زمانی که یکی از اقلام میراث فرهنگی زیر آب از محل وقوع خود برداشته شود و تلاش گردد که آن را وارد یا صادر نمایند، ممکن است قوانین و مقررات گمرکی یا مالی دولت ساحلی مرتبط قلمداد گردند.

4. Fledged Archaeological Zone.

5. See UN Doc. A/CONF.62/C.2. Informal Meeting/43 of 16 August 1979.

گروه از دولت‌ها را فراهم نمود. همچنین فرض حقوقی که در این مقررہ بدان اشاره شده است از اهمیت زیادی برخوردار بوده و چالش‌ناپذیر است. چرا که در غیر این صورت دولتی که مشغول برداشتن غیرقانونی این اشیاء از منطقه مجاور دولت ساحلی است، اگر بتواند اثبات نماید که برداشتن آنها برخلاف قوانین و مقررات مالی و گمرکی دولت مزبور در سرزمین یا دریای سرزمینی آن نیست، دولت ساحلی از تمامی حقوق خود که در بند دوم ماده ۳۰۳ ذکر شده است، محروم خواهد شد. بنابراین این استدلال که فرض حقوقی مورد بحث می‌تواند به چالش کشیده شود، نه تنها در پرتو کارهای مقدماتی قابل توجیه نیست، بلکه تأثیر و اهمیت کلی این مقررہ را به حداقل ممکن می‌رساند.^۱

همچنان که پیشتر اشاره شد مطابق ماده ۳۳، دولت ساحلی صلاحیت خواهد داشت که اقدامات مقتضی جهت جلوگیری از نقض قوانین سرزمینی یا دریای سرزمینی خود در زمینه‌های گمرکی، مالی، مهاجرتی و بهداشتی به عمل آورد و کسانی را که مبادرت به چنین جرایمی می‌نمایند، مجازات نماید. بنابراین دولت ساحلی نمی‌تواند قوانین یا قواعدی را وضع نماید که منحصراً در منطقه مجاور قابل اعمال باشد. به بیانی دیگر ماده ۳۳، صلاحیت قانونگذاری به دولت ساحلی اعطا نمی‌نماید. اما پرسش اساسی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا بند ۲ ماده ۳۰۳ همچون ماده ۳۳ تنها به دولت ساحلی صلاحیت اجرا و اعمال قوانین اعطا می‌نماید یا از این حد فراتر رفته و دولت ساحلی را جهت وضع قوانین در خصوص این منطقه دریایی صالح می‌پندارد؟ در پاسخ به این پرسش، سه نظریه شکل گرفته است که در سایه لحن مبهم این مقررہ هر سه آنها دارای طرفدارانی هستند. البته این سه دیدگاه یا به عبارت بهتر این سه تفسیر، در واقع نمود نظرات دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس نیز بوده است.

۱-۲-۱. صلاحیت محدود

برخی از حقوقدانان این دیدگاه را مطرح نموده‌اند که صلاحیت دولت ساحلی محدود به اجرای قوانین در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب در منطقه مجاور است.

1. Anastasia Strati, *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: An Emerging Objective of the Contemporary Law of the Sea* (Hague: Kluwer Law International, 1995) at 166-167.

چنین صلاحیتی نمی‌تواند از رهگذر وضع قوانین و مقررات در خصوص حفاظت از این اشیاء اعمال گردد.^۱ به بیانی دیگر، دولت ساحلی در منطقه مجاور از قدرت کنترل (به معنای قدرت اجرای مقررات) بهره‌مند است نه صلاحیت (به معنای قدرت قانونگذاری) نسبت به اشیای باستانی دریایی.^۲ بنابراین طبق این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که صلاحیت دولت ساحلی طبق بند ۲ ماده ۳۰۳ محدود به اجرای مقررات مالی و گمرکی در خصوص برداشتن میراث فرهنگی زیر آب از بستر منطقه مجاور است.

۲-۱-۲. صلاحیت موسع

طرفداران این دیدگاه معتقدند که فرض مندرج در بند دوم ماده ۳۰۳ به نوعی صلاحیت قانونگذاری دولت ساحلی را تا حداکثر ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ گسترش می‌دهد. قادر ساختن دولت ساحلی برای اینکه برداشتن اشیای باستانی از منطقه مجاور بدون کسب رضایتش را غیرقانونی تصور کند، امکان چنین صلاحیتی را فراهم ساخته است. از آنجایی که چنین اقدامی نقض قوانین و مقررات مالی و گمرکی آن دولت در سرزمین یا دریای سرزمینی اش فرض شده است، محدوده اجرای این قوانین را تا ۲۴ مایل دریایی گسترش می‌دهد. در واقع طبق بند دوم ماده ۳۰۳، جلوگیری از برداشتن اشیای باستانی از بستر منطقه مجاور از لواحق جلوگیری از برداشتن آنها از بستر دریای سرزمینی است. بنابراین گستره اختیارات دولت‌های ساحلی در خصوص اشیای باستانی در منطقه ۲۴ مایلی، گسترده‌تر از اختیارات محدود پلیسی و مراقبتی مندرج در ماده ۳۳ کنوانسیون است.

1. Sarah Dromgoole, *Underwater Cultural Heritage and International Law* (Cambridge University Press, 2015) at 250-251.

Edward Duncan Brown, "Protection of the Underwater Cultural Heritage: Draft Principles and Guidelines for Implementation of Article 303 of the United Nations Convention on the Law of the Sea", *Marine Policy*, Vol. 20, No. 4, (1996), at 329-330.

Roman J. Long, *Marine Resources Law* (Dublin: Thomson Round Hall, 2007) at 533.

2. Bernard H. Oxman, "Marine Archaeology and the International Law of the Sea", *Columbia-Volunteer Lawyers Association Journal of Law and the Arts*, Vol. 12, (1988), at 353-371.

در هر صورت این استدلال که ماده ۳۰۳ تنها اختیارات محدود نظارتی به دولت ساحلی اعطا می‌کند، خالی از وجهه است. روشن است که اتخاذ این مقررہ جهت اعمال تغییراتی در نظام حقوقی منطقه مجاور مندرج در ماده ۳۳ بوده است، چرا که در غیر این صورت تصویب آن بیهوده به نظر می‌رسد. برخی از نویسندگان نیز به رویه دولت‌هایی نظیر قبرس، یوگسلاوی، موریس، آفریقای جنوبی، فرانسه، هلند، دانمارک و نروژ اشاره می‌کنند که هر کدام به نوعی از چارچوب‌های شناخته شده در ماده ۳۳ کنوانسیون یا حتی ماده ۳۰۳ آن فراتر رفته‌اند و این امر را به مثابه قاعده‌ای عرفی در حال شکل‌گیری به نفع دولت ساحلی جهت گسترش صلاحیت قانونگذاری و اجرای آن در منطقه مجاور دانسته‌اند.^۱ «بنابراین تا آنجا که به جلوگیری از برداشتن اشیای تاریخی و باستانی مربوط است، دولت ساحلی می‌تواند صلاحیت اجرایی و قانونگذاری در منطقه مجاور را مطابق بند ۲ ماده ۳۰۳ اعمال نماید».^۲

۳-۲-۱. منطقه باستان‌شناسی ۲۴ مایلی

عده ای از طرفداران دیدگاه صلاحیت موسع حتی به این حد بسنده نمودند و معتقدند که اگر دولت ساحلی تنها دولت صالح برای قاعده‌مند نمودن برداشتن اشیای باستانی از منطقه مجاور است، شناختن حقوق بیشتر برای آن نیز امکان‌پذیر است. در راستای تجویز برداشتن، دولت ساحلی می‌تواند هر گونه شرایطی را که برای حفاظت از اشیای باستانی شده ضروری می‌داند، تحمیل نماید. بند ۱ ماده ۳۰۳ مقرر می‌کند: «دولت‌های عضو وظیفه دارند اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی یافت شده در دریا را حفاظت نمایند و برای این منظور با یکدیگر همکاری کنند». این مقررہ که مشتمل بر وظیفه عام حفاظت از اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی است، اعمال قوانین میراث فرهنگی دولت ساحلی را تحت شرایطی^۳ اجازه می‌دهد. دولت ساحلی با اجرایی نمودن

1. Mariano J. Aznar Gomez, "The Contiguous Zone as an Archaeological Maritime Zone", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 29, No. 1, (2014), at 43-50.

۲. تاناکا، همان، ص ۲۰۶.

۳. شرایط مقرر در بندهای سوم و چهارم ماده ۳۰۳:

«۳- هیچ چیز در این ماده بر حقوق مالکین، که هویت آنها قابل احراز می‌باشد، قوانین نجات دریایی یا سایر قواعد دریایی، یا قوانین و رویه‌های مربوط به مبادلات فرهنگی، تأثیر نمی‌گذارد.

مفاد بند ۱ ماده ۳۰۳ و با به رسمیت شناخته شدن صلاحیتش برای نظارت بر قاچاق اشیای باستانی، در اصل مجاز شده است که دامنه قوانین خود را در این منطقه نیز بگستراند. اینان از این استدلال‌ها نتیجه می‌گیرند که بند ۲ ماده ۳۰۳ منجر به ایجاد یک «منطقه باستان‌شناسی بالفعل»^۱ مجاور دریای سرزمینی شده است، اما استقرار بالفعل این منطقه، حاصل دگرگونی منطقه مجاور به یک «منطقه صلاحیتی تمام عیار»^۲ نیست، بلکه «منطقه باستان‌شناسی ۲۴ مایلی» ماهیت مستقلی نسبت به «منطقه مجاور عام»^۳ دارد. علیرغم این واقعیت که کنوانسیون ۱۹۸۲ بند ۲ ماده ۳۰۳ را به ماده ۳۳ مرتبط می‌کند، اما این بدان معنا نیست که استقرار یک «منطقه مجاور عام» پیش‌نیاز اجرای آن است.^۴ «دلایل این امر می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف- بند ۲ ماده ۳۰۳ در بخش «مقررات عمومی» قسمت شانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ است، نه بخش چهارم قسمت دوم کنوانسیون (ماده ۳۳) که به طور اختصاصی به موضوع منطقه مجاور می‌پردازد؛

ب- وظیفه دولت‌ها جهت حفاظت از اشیای باستانی یافت شده در دریا (مندرج در بند ۱ ماده ۳۰۳) مقدم بر مفاد بند ۲ است، بنابراین شایسته است که از ماده ۳۳ تنها عناصری استخراج گردد که برای اجرای مفاد آن ضروری است، یعنی محدوده جغرافیایی اجرای آن و حقوقی که برای حفاظت از آنها منطقه مجاور استقرار یافته است. در تأیید این استدلال می‌توان به بخشی از متن بند ۲ ماده ۳۰۳ اشاره نمود که به جای استفاده از عبارت «منطقه مجاور» از عبارت «منطقه مذکور در آن ماده»^۵ بهره می‌برد.

پ- ماهیت مستقل «منطقه باستان‌شناسی» نسبت به «منطقه مجاور عام» در ماهیت حقوقی متفاوت این دو منطقه نهفته است. در حالی که منطقه ۲۴ مایلی «یک منطقه صلاحیتی تمام‌عیار»^۶ است، در «منطقه مجاور عام» دولت ساحلی از صلاحیت اجرایی محدودی

۴- این ماده بر سایر قراردادهای بین‌المللی و قواعد حقوق بین‌الملل در مورد حفاظت از اشیای دارای ماهیت تاریخی و باستان‌شناختی خدشه وارد نمی‌کند.

1. De facto Archaeological Zone.
2. Full Jurisdictional Zone.
3. General Contiguous Zone.
4. Strati, op. cit. at 168 and Sioussiouras, op. cit. at 69-70.
5. "...in the zone referred to in that article...".
6. Full-Jurisdictional Zone.

برخوردار است»^۱. تعدادی از دولت‌ها نیز در همین راستا «منطقه باستان‌شناسی ۲۴ مایلی» تأسیس نموده‌اند. به عنوان مثال ماده ۹۴ فرمان قانونی شماره ۴۲ مورخ ۲۰۰۴ ایتالیا با عنوان «مجموعه قوانین میراث فرهنگی و چشم‌انداز»^۲ مقرر می‌کند که اموال باستانی و تاریخی یافت شده در بستر منطقه دریایی که دوازده مایل از حد خارجی دریای سرزمینی وسعت می‌یابد، مطابق «قواعد مربوط به فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» که ضمیمه کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب است، حفاظت می‌شود.

۲. صلاحیت دولت ساحلی در خصوص تحقیقات و سایر فعالیت‌های باستان‌شناسی در منطقه مجاور

در بند دوم ماده ۳۰۳ تکلیف وضعیت حقوقی تحقیقات و فعالیت‌های باستان‌شناسی روشن نشده است. همین امر این سوال را برانگیخته که آیا عدم اشاره به این موضوع در این مقرر به معنای آن است که دولت‌های صاحب پرچم بدون رضایت دولت ساحلی می‌توانند مبادرت به انجام تحقیقات و فعالیت‌های باستان‌شناسی در منطقه مجاور نمایند؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سوال بستگی به آن دارد که دولت ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی اعلام نموده باشد یا خیر. اگر دولت ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی اعلام نموده باشد، وضعیت حقوقی تحقیقات و فعالیت‌های باستان‌شناسی تابع قاعده آزادی دریای آزاد است و دولت‌های صاحب پرچم برای انجام آن نیازی به اخذ رضایت دولت ساحلی ندارند. البته چنین استنتاجی چندان منطقی نمی‌نماید، بدین معنی که دولت‌های صاحب پرچم می‌توانند در منطقه مجاور تحقیقات و فعالیت‌های باستان‌شناسی انجام دهند اما نمی‌توانند اشیای باستانی را از بستر منطقه مزبور بردارند.

حال اگر دولت ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی اعلام نموده باشد، این موضوع تابع ماده ۵۹ کنوانسیون خواهد بود. این مقرر اشعار می‌دارد: «در مواردی که این کنوانسیون حقوق یا صلاحیت‌هایی را به دولت ساحلی یا سایر دولت‌ها در منطقه انحصاری اقتصادی اعطا نمی‌کند و میان منافع دولت ساحلی و دولت یا دولت‌های

1. Strati, op. cit. at 169.

2. Code of the Cultural and Landscape Heritage.

دیگر، تعارض پیش آید، این تعارض بر اساس انصاف و با توجه به تمامی اوضاع و احوال مربوطه و با در نظر گرفتن اهمیت منافع مربوطه طرفین و نیز منافع جامع بین‌المللی در کل، حل و فصل خواهد گردید». بنابراین در منطقه انحصاری اقتصادی، دولت ساحلی دارای هیچگونه اولویتی نسبت به دولت‌های صاحب پرچم برای انجام فعالیت‌های باستان‌شناسی نیست. لذا در صورت تردید این مسئله «بر اساس انصاف و در پرتو توجه به تمامی اوضاع و احوال مربوطه و با در نظر گرفتن اهمیت منافع مربوطه طرفین و نیز منافع جامع بین‌المللی در کل، حل و فصل خواهد گردید». در این راستا به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دولت ساحلی طبق بند دوم ماده ۳۰۳ برای جلوگیری از برداشتن اشیای باستانی و تاریخی از منطقه مجاور دارای صلاحیت است، در خصوص انجام تحقیقات و فعالیت‌های باستان‌شناسی نیز، موازنه میان منافع دولت ساحلی و سایر دولت‌ها، به نفع دولت ساحلی بر هم می‌خورد. برای تقویت این استدلال می‌توان از مفاد بند ۱ ماده ۳۰۳ نیز کمک گرفت، با این توضیح که اگر دولت ساحلی برای حفاظت از «اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی یافت شده در دریا» دارای وظیفه است، بر عهده گرفتن این وظیفه توسط دولت ساحلی مستلزم نظارت بر تحقیقات و فعالیت‌های باستان‌شناسی در منطقه مجاور نیز خواهد بود.

۳. رویه برخی دولت‌ها

از میان ۱۶۷ دولت عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ تا ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۱؛ تعداد ۹۰ دولت، منطقه مجاور اعلام نموده‌اند.^۱ اما رویه این ۹۰ دولت از تئوری «منطقه ۲۴ مایلی باستان‌شناسی» به عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی حمایت نمی‌کند. تعداد دولت‌هایی که صراحتاً از حقوق صلاحیتی مندرج در بند دوم ماده ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ بهره برده‌اند، بسیار اندک بوده و به نظر نمی‌رسد که بیش از ۱۰ دولت باشند.^۲ اما همین تعداد اندک نیز از دیدگاه صلاحیت موسع پیروی نموده‌اند. در این قسمت به عنوان نمونه به مرور اجمالی قوانین مرتبط چند دولت پرداخته می‌شود.

۱. از میان این ۹۰ دولت، ۸۲ دولت منطقه مجاور خود را تا ۲۴ مایل دریایی اعلام نموده‌اند.

2. Trpimir M. Susic, "The 24-Mile Archaeological Zone: Abandoned or Confirmed?" in Wolfrum, Rudiger, Sersic, Maja, fSusic, Tripimir. M. (eds.), *Contemporary Developments in International Law: Essays in Honour of Budislav Vukas* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2016) at 313.

۳-۱. دانمارک

به نظر می‌رسد دانمارک اولین دولتی است که طبق بند دوم ماده ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ اقدام به گسترش صلاحیت‌های خود در منطقه مجاور نموده است.^۱ در این راستا قوانین دانمارک در اقدامی جالب، حد ۲۴ مایل دریایی را با مفهوم فلات قاره در هم آمیخته‌اند. بند ۱ ماده ۴۹ «قانون حفاظت از طبیعت»^۲ که به موجب قانون شماره ۵۳۰ مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۸۴ اصلاح گشت، اشعار می‌دارد: «آثار باستانی بر یا در بستر دریا نظیر سنگ‌های بزرگ (مگالیت‌ها)،^۳ گورها، بناهای سکونتگاه‌ها،^۴ ویرانه‌ها، موانع، سازه‌های دفاعی یا پل‌ها در صورتی که در آب‌های سرزمینی یا در فلات قاره داخل در ۲۴ مایل دریایی از خطوط مبدأیی که عرض آب‌های سرزمینی از آنها اندازه گرفته می‌شود، قرار داشته باشند، نباید بدون رضایت سازمان ملی حفاظت از طبیعت، آثار و بناها، مورد تخریب یا انتقال قرار گیرند». این مقرر بر لاشه کشتی‌هایی که بیش از ۱۰۰ سال قدمت داشته باشند نیز اعمال خواهد شد. قسمت چهارم ماده ۴۹ که وزیر محیط زیست را مجاز می‌دارد تمامی اقدامات لازم برای حفاظت از بقایای کشف شده را انجام دهد، به روشنی گویای آن است که دانمارک صلاحیت قانونگذاری خود را بر منطقه ۲۴ مایلی گسترانیده است. مقررات مشابهی نیز در «قانون موزه‌ها»^۵ دانمارک که در همان سال به تصویب رسید، وجود داشته است.^۶ قواعد مربوط به میراث فرهنگی زیر آب در قانون ۱۹۸۴ موزه‌ها در آخرین قانون موزه‌ها که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید، همچنان به قوت خود باقی ماند. طبق مقررات مربوطه، اعمال این قانون بر آثار و بقایای باستانی واقع «در فلات قاره، که از ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأیی که عرض دریای سرزمینی از آن اندازه‌گیری می‌شود، فراتر نمی‌رود»^۷ گسترده شده است. در این قانون مقرر شده که کشفیات میراث فرهنگی

۱. هر چند که این دولت کنوانسیون مزبور را در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۴ تصویب نموده است.

2. Conservation of Nature Act.

۳. مگالیت (Megalith) به سنگ‌های بزرگی اطلاق می‌شود که مربوط به دوره مگالیتیک است، دوره‌ای که بشر برای ساخت بناهای خود از جمله معابد، قبور و سایر بناهای مورد نیاز خویش از آنها استفاده می‌کردند (کرمیان، ۱۳۹۴: ۱۰۹ و ۱۱۰).

4. Settlements Sites.

5. Museums Act.

6. Strati, op. cit, at 185.

۷. بند ۱ ماده ۲۸.

باید به وزیر فرهنگ گزارش داده شود و اشیایی که طبق تعریف قانون در محدوده ۲۴ مایلی یافت گردند «بایستی به دولت تعلق گیرند، مگر اینکه فردی ثابت نماید که مالک قانونی (آنها) است».^۱ نکته جالب توجه اینجاست که دولت دانمارک در سال ۲۰۰۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ را تصویب کرد و در سال ۲۰۰۵ یعنی ۲۱ سال بعد از اینکه قوانین میراث فرهنگی خود را بر اشیای یافت شده در محدوده ۲۴ مایلی از خطوط مبدأ اعمال نمود، به صورت رسمی منطقه مجاور خود را اعلام نموده است.

۲-۳. چین

طبق بند ۲ ماده ۲ و ماده ۳ «مقررات جمهوری خلق چین در خصوص مدیریت حفاظت از بقایای فرهنگی زیر آب مورخ ۱۹۸۹»^۲ صلاحیت دولت مربوطه نسبت به بقایای فرهنگی زیر آب «که نشأت گرفته از چین یا یک کشور ناشناخته بوده که در خارج از دریای سرزمینی این کشور، اما در داخل سایر حوزه‌های دریایی تحت صلاحیت چین طبق قوانین آن، باقی مانده‌اند»^۳ اعمال می‌گردد. این قانون بعد از وضع «قانون ۱۹۹۲ در خصوص دریای سرزمینی و منطقه مجاور» به صورت خودکار در منطقه مجاور ۲۴ مایلی چین قابل اجرا شده است.^۴

۳-۳. اسپانیا

در سال ۱۹۹۲ دولت اسپانیا منطقه مجاور خود را اعلام نمود و بدین ترتیب قوانین میراث فرهنگی آن دولت به طور تلویحی بر منطقه مجاور و حدفاصل ۱۲ تا ۲۴ مایل دریایی نیز اعمال می‌شود. توضیح اینکه قوانین میراث فرهنگی دولت اسپانیا صراحتاً بر فلات قاره و به

۱. بند ۲ ماده ۲۸ همان قانون.

2. Regulations of the People's Republic of China Concerning the Administration of the Protection of Underwater Cultural Relics 1989.

۳. مقررات ۱۹۸۹ چین متضمن هیچگونه ادعایی در خصوص صلاحیت بر بقایای فرهنگی زیر آب که نشأت گرفته از یک کشور خارجی قابل شناسایی باشد، نیست.

4. Hongye Zhao, "Recent Developments in the Legal Protection of Historic Shipwrecks in China", *Ocean Development & International Law*, Vol. 23, (1992), at 316.

طریق اولی بر منطقه مجاور اعمال می‌گردند. هر چند تلاش‌هایی در حال انجام است که مقررات خاصی در خصوص بازیابی اشیای باستانی در منطقه مجاور وضع و تصویب گردند.^۱

۳-۴. آفریقای جنوبی

از سال ۱۹۹۴ دولت آفریقای جنوبی ضمن تصویب «قانون مناطق دریایی»^۲، یک منطقه مجاور مطابق با ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اعلام نموده است و در این راستا حق «اجرای تمامی اختیاراتی که ممکن است برای جلوگیری از نقض قوانین مالی و هرگونه قوانین گمرکی، مهاجرتی یا بهداشتی و همچنین مجازات نقض این قوانین ضروری است»^۳ را خواهد داشت. با تصویب این قانون، دولت مزبور صلاحیت خود را بر «منطقه فرهنگی دریایی»^۴ که منطبق با منطقه مجاور آن است، گسترانید و همان حقوق و اختیاراتی را که در رابطه با میراث فرهنگی زیر آب (که بیش از ۶۰ سال قدمت دارند) در دریای سرزمینی دارد، «در خصوص اشیای دارای ماهیت باستان‌شناختی و تاریخی یافت شده در منطقه فرهنگی دریایی نیز خواهد داشت»^۵. دولت‌های ایتالیا، هلند و ایالات متحده نیز هر کدام به نوعی قوانین خود را بر منطقه مجاور گسترانیده‌اند.

۳-۵. ایران

در این میان وضعیت حقوقی دولت ایران با ابهام مواجه هست و معلوم نیست که قانونگذار ایرانی از «دیدگاه صلاحیت محدود» پیروی نموده است یا «دیدگاه صلاحیت موسع». بر اساس ماده ۱۳ قانون مناطق دریایی ایران: «به منظور پیشگیری از نقض قوانین و مقررات کشور از جمله مقررات امنیتی، گمرکی، دریایی، مالی، مهاجرتی، بهداشتی، زیست‌محیطی و تعقیب و مجازات متخلفین، دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه

1. Mariano J. Aznar Gomez, "Spain", in Sarah. Dromgoole (ed.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: National Perspectives in Light of the UNESCO Convention 2001* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006) pp. 277-284.

2. Maritime Zones Act.

۳. ماده ۵ قانون مناطق دریایی مورخ ۱۹۹۴.

4. Maritime Cultural Zone.

5. Craig J. S. Forrest, "South Africa", in Sarah. Dromgoole (ed.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: National Perspectives in Light of the UNESCO Convention 2001* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006) at 256.

نظارت، اقدامات لازم را معمول خواهد داشت». گذشته از آن که در این مقررره علاوه بر قوانین مورد اشاره در بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ به قوانین امنیتی، دریایی و زیست محیطی نیز اشاره شده است، مشخص نشده است که قوانین یاد شده مربوط به چه منطقه یا مناطق دریایی هستند. در کنوانسیون ۱۹۸۲ از «نقض قوانین و مقررات... در داخل قلمرو و یا دریای سرزمینی» نام برده شده است، ولی با عدم ذکر این عبارت در ماده ۱۳ قانون مناطق دریایی ایران معلوم نیست که آیا قوانین مورد اشاره مربوط به منطقه مجاور هم هستند یا خیر. در صورتی که این قوانین مربوط به منطقه مجاور نیز باشند، می توان گفت که قانونگذار ایرانی از دیدگاه صلاحیت موسع پیروی نموده است و قوانین سرزمینی خود را به منطقه مجاور هم گسترش داده، ولی اگر منظور از این قوانین، قوانین قلمروی سرزمینی و آب های داخلی و سرزمینی باشند، نشان دهنده آن است که قانونگذار از دیدگاه صلاحیت محدود پیروی نموده است.

۶-۳. وضعیت عرفی بند دوم ماده ۳۰۳

بر اساس اطلاعات محدودی که در دسترس است، نمی توان به طور دقیق گفت ۹۰ دولتی که این منطقه را اعلام نموده اند، چه حقوق و صلاحیت هایی را مدنظر دارند. ولی به نظر می رسد در سال های اخیر شمار رو به افزونی از دولت ها در حال گرایش به سمت بند دوم ماده ۳۰۳ برای فراهم نمودن شرایط حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب واقع در آب های ساحلی خود هستند. اما ادعای دولت ها در این زمینه نه تنها شامل صلاحیت اجرایی می گردد (دیدگاه صلاحیت محدود) بلکه در برگیرنده صلاحیت قانونگذاری نیز می شود (دیدگاه صلاحیت موسع). نکته جالب اینجاست که اقدام این دسته از دولت ها با اعتراض مواجه نشده است. از میان این دولت ها؛ فرانسه، هلند و ایالات متحده خود در زمره مخالفان سرسخت گسترش صلاحیت خزنده دولت ساحلی بوده اند. در این خصوص نمی توان پیش بینی کفلیش در سال ۱۹۸۲ را نادیده گرفت که اظهار نموده بود: «تا آنجا که به آثار باستانی زیر دریا مربوط است، نتیجه عملی بند دوم ماده ۳۰۳ چیزی جز گسترش صلاحیت دولت ساحلی تا حد ۲۴ مایل دریایی نخواهد بود».^۱ چرچیل و لئونیز سال ها بعد در تأیید این استدلال گفته اند: طبق مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ منطقه مجاور

1. Lucius Cafilisch, "Submarine Antiquities and the International Law of the Sea", in *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 13, (1982), at 24.

بخشی از منطقه انحصاری اقتصادی است (البته با فرض ادعای این منطقه از سوی دولت ساحلی)، بنابراین دیگر بخشی از دریای آزاد محسوب نمی‌شود. پس فرض سابق علیه صلاحیت دولت ساحلی در این منطقه، دیگر از میان رفته و دفاع از صلاحیت اجرایی و قانونگذاری برای دولت ساحلی را آسان نموده است.^۱ در مجموع در حال حاضر نمی‌توان از عرفی شدن بند دوم ماده ۳۰۳ دفاع نمود. تعداد دولت‌هایی که با استناد به این بند، صلاحیت خود را گسترانیده‌اند بسیار اندک است و نمی‌تواند مبین تشکیل قاعده عرفی در این زمینه باشد. اما مفاد ماده ۳۳ کنوانسیون بر عکس مقررہ یاد شده با اقبال قابل توجهی از سوی دولت‌های ساحلی مواجه شده است، بنابراین به نظر می‌رسد که اختیارات نظارتی دولت ساحلی در این منطقه دریایی جنبه عرفی یافته باشند.

۴. کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب

ماده ۸ کنوانسیون در خصوص منطقه مجاور مقرر نموده است: «علاوه بر مواد ۹ و ۱۰ و بدون لطمه‌ای به آنها و طبق بند ۲ ماده ۳۰۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، دولت‌های عضو می‌توانند فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب را که در منطقه مجاور آنها وجود دارد، تنظیم و تجویز نمایند. در انجام این امر، آنها مقرر خواهند کرد که «قواعد»^۲ اعمال گردد».

این ماده همچون بند ۲ ماده ۳۰۳ ماهیت تجویزی دارد تا الزامی. با این حال دولت عضو کنوانسیون یونسکو که تصمیم بگیرد تحت لوای ماده ۸ اقدام نماید، موظف است که قواعد مندرج در ضمیمه را به مورد اجرا گذارد. این مقررہ از این حد که از دولت‌ها بخواهد از اختیارات خود طبق بند ۲ ماده ۳۰۳ استفاده کنند تا اطمینان یابند که هرگونه «برداشتن» میراث فرهنگی زیر آب از بستر منطقه مجاور سازگار با قواعد مندرج در ضمیمه کنوانسیون صورت می‌گیرد، فراتر رفته و به جای استفاده از واژه «برداشتن» از

1. Robin Rolf Churchill and Alan Vaughan Lowe, *The Law of the Sea*, Third Edition (UK: Manchester University Press, 1999), at 139.

۲. منظور از «قواعد» (Rules) ضمیمه کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو با عنوان «قواعد مربوط به فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» است که مشتمل بر ۳۶ قاعده در خصوص حفاظت و مدیریت محوطه‌های باستانی است. مطابق ماده ۳۳ «قواعد پیوست این کنوانسیون جزء لاینفک آن می‌باشد، مگر اینکه به صورت دیگری صریحاً پیش‌بینی شده باشد، اشاره به این کنوانسیون به مثابه اشاره به قواعد نیز خواهد بود».

عبارت «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب»^۱ استفاده می‌کند که به مراتب دایره شمول بیشتری دارد.^۲ در ماده ۸ به دولت ساحلی اختیار تجویز و تنظیم این فعالیت‌ها (البته با شرایطی) داده شده است. در وهله نخست به نظر می‌رسد اختیارات و صلاحیت‌های اعطایی به دولت ساحلی در منطقه مجاور فراتر از کنترل قاچاق اشیای باستانی در چارچوب بند دوم ماده ۳۰۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ است، اما با توجه به اینکه مفاد این کنوانسیون طبق ماده ۳ آن باید منطبق و سازگار با مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ اعمال گردد،^۳ پس عبارت «دولت‌های عضو می‌توانند فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب را که در منطقه مجاور آنها وجود دارد، تنظیم و تجویز نمایند» را باید صرفاً محدود به کنترل برداشتن اشیای باستانی از بستر منطقه مجاور دانست. لذا می‌توان استنتاج نمود که این مقررده موجب توسعه صلاحیت دولت ساحلی نخواهد شد.

عبارت «علاوه بر مواد ۹ و ۱۰ و بدون لطمه به آنها» در ابتدای ماده ۸ یادآور آن است که منطقه مجاور بخشی از منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است. بدین صورت دولت ساحلی در اجرای صلاحیت‌ها و تعهدات خود باید مواد ۹ و ۱۰ کنوانسیون را مدنظر قرار دهد، بدین معنی که «نظام گزارش دهی و مشورتی» و «حفاظتی» مقرر در این مواد در خصوص منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در مورد منطقه مجاور نیز مجرا

1. Activities Directed at Underwater Cultural Heritage.

۲. در بندهای ششم و هفتم ماده ۱ کنوانسیون میان دو دسته از فعالیت‌های مؤثر بر میراث فرهنگی زیر آب تمایز ایجاد شده است: «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب» و «فعالیت‌هایی که به طور تصادفی میراث فرهنگی زیر آب را تحت تأثیر قرار می‌دهند». در بند ۶ «فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب»، فعالیت‌هایی تعریف شده‌اند «که هدف عمده آنها میراث فرهنگی زیر آب است و می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم از لحاظ فیزیکی یا به شکل دیگری به میراث فرهنگی زیر آب آسیب برسانند». در بند هفتم نیز «فعالیت‌هایی که به طور تصادفی بر میراث فرهنگی زیر آب تأثیر می‌گذارند» به فعالیت‌هایی تعبیر شده‌اند که «علی‌رغم اینکه میراث فرهنگی زیر آب به عنوان هدف یا اهداف اصلی آنان نمی‌باشند، اما می‌توانند به طور فیزیکی یا به صورتی دیگر به میراث فرهنگی زیر آب آسیب برسانند».

Dromgoole, op. cit., at 287.

۳. ماده ۳: «هیچ یک از مفاد این کنوانسیون لطمه‌ای به حقوق، صلاحیت و تکالیف دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل شامل کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها نخواهد زد. این کنوانسیون با سیاق و به صورتی که منطبق با حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها باشد، تفسیر و اعمال خواهد شد.»

خواهد بود. بر اساس مواد ۹ و ۱۰ و با اعمال تغییرات لازم، دولت ساحلی مقرر خواهد کرد چنانچه یکی از اتباع آن یا کشتی که پرچم آن را برافراشته، میراث فرهنگی زیر آب واقع در منطقه مجاور را کشف کند یا قصد داشته باشد اقدام به فعالیت‌های معطوف به میراث فرهنگی زیر آب مزبور نماید، تبعه مزبور یا فرمانده کشتی مذکور، آن دولت را از کشف یا اقدام مربوط مطلع نماید و در صورتی که چنین کشفی در منطقه مجاور دولت دیگر صورت گیرد، دولت‌های عضو مقرر خواهند کرد که تبعه یا فرمانده کشتی باید کشف مربوطه را به اطلاع آنها و آن دولت عضو دیگر برساند. دولت‌های عضو در نهایت بایستی کشفیات و گزارش‌های واصل شده را به اطلاع مدیرکل یونسکو برسانند.

در خصوص «نظام مشورتی» نیز طبق بند ۵ ماده ۹ و ماده ۱۰ در صورتی که «دولت‌های دارای پیوند قابل تأیید» فرهنگی، تاریخی یا باستان‌شناختی با میراث فرهنگی کشف شده در منطقه مجاور یک دولت عضو، مایل به مشورت در خصوص حفاظت مؤثر از آنها باشند، دولت ساحلی به عنوان «دولت هماهنگ کننده»^۱ در صورتی که قصد انجام اقدامات معطوف به آن میراث را داشته باشد، با آنها مشورت خواهد نمود. علاوه بر اینها دولت ساحلی موظف است در انجام این امور «قواعد» را نیز رعایت نماید. تحمیل سازوکار گزارش دهی و اطلاع رسانی در منطقه مجاور با مخالفت شماری از دولت‌ها از جمله یونان همراه بود. به گونه‌ای که یکی از دلایل عدم رأی مثبت این دولت به پیش‌نویس کنوانسیون همین قضیه بوده است. در هر صورت به نظر می‌رسد که حقوق و اختیارات دولت ساحلی در خصوص میراث فرهنگی زیر آب واقع در بستر منطقه مجاور نسبت به مقررات مرتبط کنوانسیون ۱۹۸۲ محدودتر شده است.

نتیجه‌گیری

در بند دوم ماده ۳۰۳ نامی از منطقه مجاور برده نشده است، چرا که حقوق و وظایف دولت ساحلی طبق ماده ۳۰۳ در نوع خود متفاوت از ماده ۳۳ کنوانسیون است. به نظر می‌رسد عبارت «در اجرای ماده ۳۳» گرچه مبهم به نظر می‌رسد ولی ظاهراً این شیوه عبارت‌پردازی حاکی از صلاحیت محدود دولت ساحلی در این خصوص بوده که صرفاً شامل نظارت بر نقل و انتقال این اشیا است. بنابراین دولت ساحلی دارای حق انحصاری

1. Coordinating State.

جهت تعریف و تبیین شرایطی است که انتقال این اشیا از منطقه مجاور آن قانونی خواهد بود. ناگفته پیداست که این حق شامل صلاحیت قانونگذاری در خصوص اشیای باستانی یافت شده در منطقه مجاور و یا فعالیت‌های باستان‌شناسی در خصوص آنها نمی‌گردد. از سوی دیگر با توجه به پیشینه بند ۱ ماده ۳۰۳ و فضای حاکم بر مذاکرات که طی آن دولت‌های قدرتمند دریایی به شدت با هر گونه گسترش خزنده صلاحیت دولت ساحلی در مناطق دریایی فراتر از دریای سرزمینی مخالف بودند، مطمئناً توسل به تفسیر موسع این مقرر، ما را از کشف نیت و اراده متعاهدین دور می‌سازد. گرچه از دیدگاهی دیگر باید اذعان نمود که اجرای قوانین گمرکی، مالیاتی، مهاجرتی و بهداشتی توسط دولت ساحلی در منطقه مجاور کمک‌چندانی به حفاظت از میراث باستانی زیر آب نمی‌کند، بلکه اجرای قوانین دولت ساحلی در خصوص میراث فرهنگی بهتر می‌تواند چنین هدفی را برآورده سازد. بنابراین از منظر حفاظت و حمایت از این اشیا، تفسیر موسع این مقرر بهتر خواهد بود. از سوی دیگر اگرچه دولت ساحلی مطابق بند ۲ ماده ۳۰۳ دارای صلاحیت ویژه‌ای در خصوص برداشتن «اشیای دارای ماهیت تاریخی و باستان‌شناختی» از منطقه مجاور شده است، اما اولویت خاصی برای انجام تحقیقات و فعالیت‌های باستان‌شناسی در این منطقه دریایی نسبت به دولت‌های صاحب پرچم ندارد و این فعالیت‌ها حسب مورد ذیل ماده ۵۹ (در خصوص منطقه انحصاری اقتصادی) و یا ماده ۸۷ (درباره آزادی‌های دریای آزاد) خواهد بود.

در کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو نیز اگرچه هیچ تلاشی برای رفع ابهام در زمینه ماهیت صلاحیت دولت ساحلی در منطقه مجاور انجام نگرفته بلکه با ارجاع به مواد ۹ و ۱۰ کنوانسیون یعنی سازوکارهای «گزارش دهی و اطلاع‌رسانی» و «حفاظت» بر ابهام‌ها افزوده شده است. در مجموع و با توجه به اینکه طبق ماده ۳ «هیچ یک از مفاد این کنوانسیون لطمه‌ای به حقوق، صلاحیت و تکالیف دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل شامل کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای نخواهد زد. این کنوانسیون با سیاق و به صورتی که منطبق با حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای باشد، تفسیر و اعمال خواهد شد»، می‌توان گفت که صلاحیت دولت ساحلی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب واقع در منطقه مجاور محدود به اجرای قوانین سرزمینی یا دریای سرزمینی در منطقه یاد شده خواهد بود.

تعارض منافع
تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad Razavi Rad  orcid.org/0000-0002-4235-3774

Janet Elizabet Blake 

منابع

الف - فارسی

کتاب‌ها

- تاناکا، یوشیفومی، حقوق بین‌الملل دریاها، چاپ اول، ترجمه آرمین طلعت (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵).

- کرمان، غلامرضا، واژه‌نامه باستان‌شناسی و تاریخ، چاپ سوم (تهران: انتشارات آژنگ، ۱۳۹۴).

References

Books

- Churchill, Robin Rolf and Lowe, Alan Vaughan, *The Law of the Sea*, Third Edition (UK: Manchester University Press, 1999).
- Dupuy, Rene Jean and Vignes, Daniel, *A Handbook on the New Law of the Sea* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1991).
- Dromgoole, Sarah, *Underwater Cultural Heritage and International Law* (UK: Cambridge University Press, 2015).
- Khan, Daniel-Erasmus, *United Nations Convention on the Law of the Sea: A Commentary*, Alexander Proelss (ed.), (C.H. Beck, 2017).
- Long, Roman J., *Marine Resources Law* (Dublin: Thomson Round Hall, 2007).

- Nordquist, Myron H., *United Nations Convention on the Law of the Sea 1982: A Commentary*, Center for Oceans Law and Policy, University of Virginia, Vol. V (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 1989).
- Strati, Anastasia, *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: An Emerging Objective of the Contemporary Law of the Sea* (Hague: Kluwer Law International, 1995).

Articles

- Aznar Gomez, J. Mariano, "Spain", in Sarah. Dromgoole (ed.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: National Perspectives in Light of the UNESCO Convention 2001* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006).
- Anzar Gomez, J. Mariano, "The Contiguous Zone as an Archaeological Maritime Zone", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 29, No. 1, (2014).
- Brown, Edward. Duncan, "Protection of the Underwater Cultural Heritage: Draft Principles and Guidelines for Implementation of Article 303 of the United Nations Convention on the Law of the Sea", 1982, *Marine Policy*, Vol. 20, No. 4, (1996).
- Caflich, Lucius, "Submarine Antiquities and the International Law of the Sea", *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 13, (1982).
- Forrest, Craig J. S., "South Africa", in Sarah. Dromgoole (ed.), *The Protection of the Underwater Cultural Heritage: National Perspectives in Light of the UNESCO Convention 2001* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2006).
- Oxman, Bernard H., "Marine Archaeology and the International Law of the Sea", *Columbia-Volunteer Lawyers Association Journal of Law and the Arts*, Vol. 12, (1988).
- Sioussiouras, Petros., (2006), "The Contiguous Zone as a Mechanism for Protection the Underwater Cultural Heritage" in Anastasia Strati, *Unresolved Issues and New Challenges to the Law of the Sea Time before and Time after* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers).
- Susic, Trpimir M., (2016), "The 24-Mile Archaeological Zone: Abandoned or Confirmed?" in Wolfrum, Rudiger, Sersic, Maja, Susic, Tripimir. M. (eds.), *Contemporary Developments in International Law: Essays in Honour of Budislav Vukas* (Leiden: Martinus Nijhoff Publishers).

رضوی راد و بلیک | ۱۴۱

- Zhao, Hongye, "Recent Developments in the Legal Protection of Historic Shipwrecks in China", *Ocean Development & International Law*, Vol. 23, No. 4, (1992).